

## تأثیرات اقتصادی جنگ جهانی دوم بر بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان (بر اساس آرشیو سازمان اسناد ملی ایران)

محمد جعفر چمنکار<sup>۱</sup>

### چکیده

جزایر و بنادر خلیج فارس و دریای عمان در زمینه صادرات و واردات انواع کالا، نقش حیاتی را در اقتصاد ایران عصر پهلوی اول ایفا می‌کردند. با اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، کرانه‌ها و پس کرانه‌های شمالی خلیج فارس و دریای عمان در سیطره کامل متفقین قرار گرفت. این فرایند مجموعه پیامدهای منفی را بر ساختار اقتصادی سرزمین‌های جنوبی ایران تحمیل نمود. هدف از این پژوهش، شناخت نتایج سوء و ویرانگر جنگ جهانی دوم بر حیات اقتصادی این حوزه آبی استراتژیک با تکیه بر مطالعه داده‌های اسنادی آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نشریات نظامی، اقتصادی و روزنامه‌های گوناگون ایران در این دوره می‌باشد. موقعیت ژئوپولیتیک ایران و خلیج فارس سبب گردید تا ایران در موقعیت دشوار و حساسی در معادلات جهانی قرار گیرد. براین اساس به عنوان یکی از عمده‌ترین گذرگاه‌های انتقال تجهیزات به اتحاد شوروی انتخاب گردید. در تمام مدت جنگ بین‌المللی دوم، عناصر نظامی آمریکا و انگلستان، حضوری فعال و فراگیر در جزایر و بنادر شمال و جنوب خلیج فارس و دریای عمان داشته و در حقیقت عملاً دولت ایران را از هر گونه قدرت مانور واقعی و سیاست نفوذ منطقه‌ای محروم نموده بودند. این وضعیت، تبعات منفی اقتصادی حضور بیگانگان را تشدید می‌نمود.

**کلید واژه:** ایران، جنگ جهانی دوم، خلیج فارس و دریای عمان، جزایر و بنادر، اقتصاد، پیامدها.

***The economic effects of World War II on ports and Persian Gulf and Oman Sea (Based on the National Archives of Iran)***

M. J. Chamankar<sup>1</sup>

**Abstract**

With the occupation of Iran during the Second World War, the banks and the northern shores of the Persian Gulf and the Oman Sea fell under the full control of the Allies. This process has imposed negative consequences on the southern lands of Iran. The purpose of this study is to investigate the devastating consequences of World War II on the economic life of this strategic water sector. The geopolitical position of Iran and the Persian Gulf has led Iran to be in a difficult and sensitive position in global equations. On this basis, it was selected as one of the main transferring equipment to the Soviet Union. Throughout the Second World War, the military elements of the United States and the United Kingdom have been active in the islands and ports of the north and south of the Persian Gulf and the Oman Sea, and effectively deprived the Iranian government of any real power of maneuver and regional policy of influence. They were. This situation exacerbated the negative economic consequences of the presence of foreigners.

**Key word:** World War II, Persian Gulf and Oman Sea, Northern Basin, Effects, Economics.

---

1 . Associate Professor of Urmia University

Chamancar\_borazgan@yahoo.com

**مقدمه**

حوزه‌های آبی خلیج فارس و دریای عمان در دوره پهلوی اول از جایگاه ممتازی برخوردار بوده است. مجموعه اصلاحات دوران رضا شاه پهلوی در ابعاد اقتصادی، ارتش و سیاست خارجی موجب تحرک نسبی و اعاده حاکمیت ایران بر جزایر و بنادر خلیج فارس و دریای عمان گردید. با اشغال این مناطق در جنگ جهانی دوم، تأثیرات سوء حضور متفقین تمام بدنه اقتصادی جزایر و بنادر خلیج فارس و دریای عمان را در بر گرفت. مجموعه اسناد غیر منتشره که در آرشیوهای گوناگون ایران به خصوص سازمان اسناد ملی نگهداری می‌گردد، موثق‌ترین منابع برای شناخت تحولات اقتصادی جزایر و بنادر خلیج فارس و دریای عمان و تأثیر پدیده جنگ جهانی دوم در این بخش می‌باشد. مجموعه اسناد اتاق بازرگانی بوشهر نیز یکی از بهترین منابع اسنادی در باره مطالعه تحولات کرانه‌های خلیج فارس در این برهه زمانی است. علاوه بر اسناد آرشیوی، بررسی نشریات این دوران، از دیگران منابع اطلاعات گیری عمده نگارنده بوده است. مشاهدات عینی حاصل از خاطرات نیز منبع پرارزش و مستقیمی برای شناخت این دوران می‌باشد. این نوشتار با استفاده از روش تحلیلی تاریخی با تکیه بر اسناد غیر منتشره سازمان اسناد ملی سعی دارد به سؤال ذیل پاسخ دهد:

- پیامدهای اقتصادی حضور متفقین در کرانه‌های جنوبی ایران، چگونه بوده است؟

در فرجام نتیجه گرفته می‌شود که با فروپاشی دولت پهلوی اول و بحران‌های ناشی از پیامدهای منفی اشغال ایران بوسیله متفقین، فرآیند رشد سرحدات ساحلی جنوب به صورت موقت دچار فترت شد و با وجود افزایش برخی فعالیت‌های عمرانی، رکود و فروپاشی، اکثریت بخش‌های اقتصادی این مناطق را در بر گرفت.

**الف- اشغال کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان**

با حمله ارتش آلمان نازی به اتحاد شوروی در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱/۱ تیر ۱۳۲۰، ایران به عنوان منطقه‌ای فوق استراتژیک، در کانون توجهات دول ابر قدرت بویژه متفقین قرار گرفت (مستوفی، ۱۳۸۰: ۹-۱۱). در سحرگاه روز ۲۵ اوت ۱۹۴۱/۳ شهریور ۱۳۲۰، با نقض

بی‌طرفی، ایران از شمال و جنوب مورد تهاجم شوروی و انگلستان قرار گرفت (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۳۵۰/۷۸۳۴، ۱۳۱۶-۱۳۲۰ ش). مناطق نفتی خوزستان، خرمشهر، بندر شاهپور، اهواز، بوشهر، بندر عباس و چابهار از مهمترین مناطق ساحلی ایران در کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان بود که به تصرف انگلستان درآمد (اطلاعات، ۱۳۸۵/۸/۲۱: ۶، موید امینی، ۱۳۲۱: ۱۴-۱۳، زنگنه، ۱۳۵۵: ۱۴-۱۲، بیگلری، ۱۳۵۰: ۱۱۷-۱۱۴). با تشکیل کابینه محمد علی فروغی در ۶ شهریور ۱۳۲۰ / ۱۹۴۱ و دستور به عدم مقاومت، ایران به صورت کامل به اشغال متفقین درآمد (اطلاعات، ۱۳۲۰: ۱/۶/۱۴، چرچیل، ۱۳۲۷: ۱۲۲، استوارت، ۱۳۷۰: ۲۵). دولت‌های شوروی و انگلستان در ۸ شهریور ۱۳۲۰ / ۱۹۴۱، با تسلیم یادداشتی به ایران، خواستار تخلیه کامل نیروهای مسلح ایران در مغرب و جنوب کشور در خطوطی از خانقین تا بندر دیلم (بین بوشهر و خوزستان) و جایگزینی آن بوسیله متفقین گردیدند که به ترتیب مناطق خانقین، کرمانشاه، خرم آباد، مسجد سلیمان، هفتگل، گچساران و از آنجا تا دیلم را در بر می‌گرفت (اطلاعات، ۱۳۲۰/۶/۱۸: ۱، جامی، ۱۳۷۷: ۸۸، انتظام، ۱۳۷۱: ۵۰-۴۸). بر اساس قانون مصوب ۸ بهمن ۱۳۲۰ / ۲۸ ژانویه ۱۹۴۲، مجلس شورای ملی، ایران حق استفاده نامحدود از تمامی خطوط راه آهن، شوسه، فرودگاه، بندر، لوله و تأسیسات نفتی، تلگراف و بی سیم را به متفقین اعطا نمود (میراحمدی، ۱۳۶۶: ۱۱۱-۱۱۰، چمنکار، ۱۳۹۶: ۱۸۱-۱۸۴، آرشیو سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۴۰/۴۹۲، ۱۳۲۰ ش).

## ب- پیامدهای اقتصادی جنگ جهانی دوم

### ۱- تسلط متفقین بر زیر ساخت های اقتصادی

#### الف) توسعه استیلا انگلستان بر صنایع نفت خوزستان

ذخایر نفتی خوزستان، یکی از مهمترین منابع تأمین کننده سوخت ارتش‌های متفقین در تمام دوره جنگ محسوب می‌گردید (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۳۴۰/۶۲۸۱، ۱۳۲۹

۱. برای شناخت اسنادی بیشتر فرایند هجوم متفقین به ایران می‌توان رک: (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۳۵۰/۶۲۵۵، ش ۱۳۱۹، ۱۳۲۰-۱۳۱۷، ۳۵۰/۷۷۵۱، ۱۳۱۷-۱۳۲۰ ش، ۳۵۰/۷۷۵۱، ۱۳۱۸ ش، ۹۱/۲۸۰/۹۶۷، ۱۳۲۲، ۹۸/۲۹۳/۱۱۰۶۲، ۱۳۱۷-۱۳۱۶ ش).

ش، اسناد نقض بی‌طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۰، سند شماره ۲: ۳، صدر نبوی، ۱۳۶۹: ۶۲). از سال دوم جنگ با هدف افزایش تولیدات نفتی، توسعه عملیات پالایشگاه آبادان و سایر حوزه‌های نفتی خوزستان آغاز گشت.

بر این اساس استخراج از منابع آغاچاری آغاز و خط لوله‌ای از آن به آبادان در سال ۱۹۴۴/۱۳۲۳، شروع به کار نمود. سال بعد چاه نفت «گچ سفید» شروع به استخراج کرد و خط لوله‌ای از آن به منطقه «ویس» (مابین اهواز و شوشتر) کشیده و به خط لوله بین مسجدسلیمان و آبادان متصل گشت. کارخانه تهیه بنزین هواپیما (معروف به یکصد اکتان) با ظرفیت یک میلیون تن بنزین در سال نیز در ۱۹۴۰/۱۳۱۹ ش، به کارافتاد (فاتح، ۱۳۸۴: ۳۱۷). ساخت خط لوله در مرز ایران و عراق از نفت شاه به کارخانه تصفیه نفت الوند و سپس به خط لوله قصر شیرین، لوله‌گذاری از آبادان به شعیبه و از آبادان به ام‌القصر و از اهواز به اندیمشک، نمونه‌هایی از این گونه اقدامات تولید ظرفیت بود (زرین کلک، ۱۳۸۲، سند شماره ۱۵۱/۲۸: ۲۶۲؛ همان، سند شماره ۳۴-۱۵۱: ۲۶۶؛ همان، سند شماره ۳۵-۱۵۱). علاوه بر آن شرکت نفت ایران و انگلیس اقدام به ایجاد لوله‌های نفت جدیدی از چاه‌های نفت ایران به شهرستان‌های شمال عراق به منظور تهیه سوخت مصرفی نیروهای نظامی متفقین در خاورمیانه کردند (اطلاعات، ۱۳۲۰/۱۰/۲۷: ۱). بر این اساس استخراج نفت ایران از ۸/۷۱/۱۹۸ تن در سال ۱۹۳۳/۱۳۱۲، ۱۱/۳۲۷/۲۱۵ تن در سال ۱۹۳۹/۱۳۱۸ به ۱۸/۳۱۰/۸۹۸ تن در سال ۱۹۴۵ م/ ۱۳۲۴ ش، افزایش یافت (ازغندی، ۱۳۶۳: ۲۶۲). کار تولید، بازاریابی و فروش نفت ایران در کنترل کامل دولت انگلستان قرار داشت (الهی، ۱۳۶۵: ۲۰۴-۲۰۵). متفقین با استخراج نامحدود نفت از چاه‌های ایران و بدون پرداخت بهای آن صدها میلیون تومان از منابع ملت ایران را به غارت بردند (همان). اقدامات عمرانی در حوزه نفت ایران نیز با هدف پیشبرد مقاصد نظامی متفقین بود و با وجود اینکه تمام این اقدامات در ایران انجام می‌گرفت، نفعی برای اقتصاد جنگ ایران نداشت و مردم از لحاظ تهیه نفت در مضیقه شدید قرار داشته و شاهد افزایش قیمت نفت و بنزین بودند (اطلاعات، ۱۳۲۱/۳/۲۳: ۱؛ ۱۳۲۱/۱۲/۵: ۱؛ ۱۳۲۴/۱۰/۳: ۶). نفت در آغاز اشغال ایران به حلبی ۱۵ تومان رسید (گلشایبان، ۱۳۹۳: ۵۰). انگلستان برای اجرای طرح‌های خود، کارشناسان و کارگرانی از کشورهای دیگر را استخدام نمودند (زرین کلک، همان، سند شماره ۴۸-۱۵۱:

(۲۸۰)، با وجود اینکه ایرانیان در آن زمان برای حل مشکلات معیشتی خود، بیشتر از هر زمانی به این مشاغل احتیاج داشتند و به خاطر این کار حتی از شهرهای خود مبادرت به مهاجرت به خوزستان می‌کردند (آرشیو روزنامه خبر جنوب، سندشماره ۱۸۲۱، ۱۳۲۳/۳/۱). پس از آغاز برنامه توسعه، بر تعداد کارکنان شرکت افزوده گشت، جمعیت آبادان روبه فزونی گذاشت و مسئله مسکن به یکی از بحران‌های این منطقه تبدیل گردید. این مسئله موجب افزایش نارضایتی بین کارگران «بیکار و گرسنگان از جان گذشته خوزستان و بخصوص آبادان با ظاهری تابناک و باطنا دردناک» (ادیب، ۱۳۳۰/۱۰/۲۸: ۱ و ۴) و اعتصاب عمومی شد (فاتح، ۱۳۸۴: ۳۱۸؛ جان پولاد، ۱۳۸۵: ۱۶۳). «عسرت و بدبختی کارگران شاید تا آن تاریخ بی‌سابقه بوده باشد» (افتخاری، ۱۳۷۰: ۱۱۵، ۱۵۲).

#### ب) نفوذ اقتصادی آمریکا در سرحدات خلیج فارس

با حمله آلمان به اتحاد شوروی، ایالات متحده به ائتلاف انگلستان و شوروی پیوست و به تدریج در سایه اقتصاد قدرتمند خود به مهمترین کشور تأمین کننده نیازمندیهای متفقین و بویژه شوروی تبدیل گشت (اسناد نقض بی‌طرفی ایران در شهریور ۱۳۲۰، ۱۳۷۰: ۸۴). آمریکا تا زمانیکه رسماً به جنگ وارد شد، از اعطای کمک‌های غذایی به ایران ممانعت نمود (ذوقی، ۱۳۶۸: ۷۲). آمریکا با تشکیل واحد فرماندهی خدمات خلیج فارس (persian gulf service command (pysc) در آگوست ۱۳۲۱/۱۹۴۲، که در دسامبر به واحد فرماندهی خلیج فارس (Persian gulf command) تغییر نام یافت و هر دو نیز از زیر مجموعه‌های واحد نیروهای نظامی در آمریکا در (us Army forces in the middle east) محسوب می‌گشتند. به تدریج بر تمامی بنادر جنوب و جنوب شرقی ایران و خطوط حمل و نقل آهن و شوسه مسلط گردید. اهواز، خرمشهر، بندر شاهپور در ایران و بنادر ام‌القصر و بصره در عراق از مهمترین مراکز فعالیت این واحدها در بخش شمالی خلیج فارس بود (us army corps of engineers, office of history. 2006:1).

نخستین دسته از نیروهای مهندسی آمریکا در آذر ۱۳۲۱ / دسامبر ۱۹۴۲ وارد ایران گشت و تا پایان سال ۱۹۴۲، عملیات حمل مواد و اداره راه آهن جنوب را از انگلستان تحویل گرفتند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۵۹؛ افخمی، بی‌تا: ۱۶۱). مأموریت عمده آنان، تجدید تشکیلات

بنادر و سواحل خلیج فارس، ساخت فرودگاهها، راه سازی و تعمیر و مرمت جاده‌های شوسه، اداره خطوط راه آهن سراسری و تجهیز آن به امکانات بیشتر برای انتقال مواد غذایی، مهمات و ماشین آلات بود. (بیل، ۱۳۷۱: ۲۱)، (ابتهاج، ۱۳۸۹: ۱۲۷-۱۲۸) بر این اساس تا سال ۱۹۴۳، حدود ۳۰ هزار نظامی آمریکایی از واحدهای مختلف در ایران و بویژه مناطق جنوب به فعالیت می‌پرداختند (us army corps of engineers, office of history) (3: 2007). دولت آمریکا و ایران قراردادهایی جهت همکاری‌های اقتصادی منعقد نمودند. در سال ۱۳۲۱ ش، قرارداد بازرگانی مابین دو کشور جهت برقراری تخفیف عوارض گمرکی نسبت به کالاهای طرفین به ویژه محصولات ایرانی از جمله قالی و فرش، تریاک، پوست و خشکیار امضاء گردید. (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۴۰/۲۲۴۵۹، ۱۳۲۱ ش، ۲۴۰/۱۴۳۲۰، ۱۳۲۳ ش). بر این اساس بخشی از کالاهای مورد نیاز از جمله دارو، غلات، قند و شکر، از مبادی جزایر و بنادر خلیج فارس و دریای عمان به صورت اقساط و یا دریافت وام از سوی آمریکا تأمین گشت و بدهی آن نیز عمدتاً در سالهای پس از جنگ پرداخت یا بخشیده شد (همان منبع، ش سند ۲۴۰/۴۳۱۰۰، ۱۳۲۴ ش، ۲۴۰/۹۲۵۸، ۱۳۲۱ ش) در آوریل ۱۹۴۳ قرارداد مالی مابین ایران و آمریکا به امضا رسید که بر اساس آن ایران متعهد شد تا ریال لازم برای مخارج آمریکائیان را در برابر دلار تهیه و در اختیار آنها قرار دهد. (ذوقی، ۱۳۶۸: ۷۳) خزانه داری آمریکا نیز پس از تقاضای مساعدت جهت استرداد اعتبارات بلوکه شده بانک ملی در بانک‌های ژاپن، ایران را یاری رساند. (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۴۰/۲۶۱۲۶، ۱۳۲۱ ش) حمل و صادرات قالی‌های ایران توسط کشتی‌های جنگی آمریکا به علت کمبود شدید ناوگان تجاری در خلیج فارس از دیگر همکاری‌های فی مابین بود (همان منبع، ۲۳۰/۸۰۷۸، ۱۳۲۱ ش، اطلاعات، ۱۳۲۱/۱/۷: ۱). پس از استقرار عناصر آمریکایی در بنادر ایران، اقدامات گسترده عمرانی با هدف افزایش ظرفیت صورت گرفت. نیروهای آمریکایی در مدت کمتر از یک سال خرمشهر را به یک بندر مدرن و بزرگ تبدیل نمودند، فرودگاه آبادان و تأسیسات بندرعباس و بندر شاهپور نیز نوسازی و بهسازی گردید. آنان گنجایش حمل و نقل خط آهن ایران را ۵ برابر ساخته و در فاصله بین پاییز ۱۹۴۳ تا پاییز ۱۹۴۴، بیش از ۴/۳۸۰/۴۴۰ تن تجهیزات را به شوروی ارسال نمودند (لنچافسکی، ۱۳۵۲: ۳۴۳). آمریکایی‌ها با پایان جنگ تمامی امکانات و ملزومات خود در خوزستان به ویژه خرمشهر را به تجار ایرانی فروختند (جان پولاد، ۱۳۸۵: ۱۶۲).

### ج) تسلط متفقین بر خطوط مواصلاتی جنوب

انگلستان و سپس آمریکا بر خطوط مواصلاتی شوسه (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۹۳/۳۵۵۴، ۱۳۲۲ ش، ۲۹۰/۱۰۶۷، ۱۳۲۳ ش)، بخش هوایی و به ویژه راه آهن جنوب تسلط کامل داشتند (صفایی، ۱۳۷۱: ۱۴۷). خطوط مواصلاتی شوسه در جنگ بین‌الملل دوم خسارات و استهلاک سنگینی را متحمل گردید. تردد ادوات نظامی متفقین به خصوص زره پوش‌های شنی دار به راه‌های اسفالت جنوب صدمات پی در پی وارد می‌نمود. در خواست مقامات محلی برای تعمیرات نیز از سوی انگلستان مورد توجه قرار نمی‌گرفت (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۹۳/۴۱۹۷، ۱۳۲۲-۱۳۲۱ ش). فرودگاه‌های بوشهر، بندر عباس، لنگه، چابهار، زاهدان و به خصوص فرودگاه‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در مسجد سلیمان و آبادان، با هدف مقاصد نظامی نیز در اختیار متفقین قرار گرفت (همان منبع، ۱۱۷۴۹ ش سند/۲۴۰، ۱۳۲۳، ۱۳۲۵ ش). راه‌آهن تازه تأسیس ایران، با محوریت و هدایت انگلیس به تصرف متفقین درآمد. آنان به شکایات مقامات مبنی بر کمبود وسایل حمل و نقل اهمیتی نداده و به همین خاطر ساکنان جنوب کشور از لحاظ حمل‌گندم و دیگر کالاها در مضیقه بودند (بولارد و اسکراین، ۱۳۷۱: ۳۳۰). برای وزارت خوار و بار تنها ۲۰۰ کامیون فرسوده فراهم گردید (فرخ، بی‌تا: ۵۳۳). متفقین به ایرانیان اجازه نمی‌دادند به محموله‌های خود رسیدگی نمایند. به مأمورین قطارها نیز اجازه نظارت بر تخلیه‌ی بارها داده نمی‌شد، در نتیجه در محمولات داخلی کسری به‌وجود می‌آمد و در مواردی محموله‌ها از بین می‌رفتند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۶۱۹ ش سند/۴۶۰، بی‌تا). با هدف افزایش ظرفیت، ساخت خط راه‌آهن بین اصفهان و شیراز، شیراز تا بوشهر و اتصال خرمشهر به راه‌آهن سراسری و احداث خط خرمشهر به بندر شاهپور انجام گرفت (اطلاعات، ۱۳۲۱/۱۰/۱۳؛ ۱؛ ۱۳۲۱/۱/۱۱: ۱). در اواسط سال ۱۳۲۳، روزانه ۱۱۰ تن حمل و نقل با راه آهن ایران صورت گرفته است (خان ملک یزدی، ۱۳۲۴: ۱۶۸، دلم، ۳۷۱: ۷۰۰). براساس قراردادهای مابین تهران و دولتهای متفق، هزینه استفاده از راه‌آهن و حمل محمولات متفقین می‌بایست به ایران پرداخت گردد، اما در بیشتر موارد در واقعیت عوایدی به بنگاه راه‌آهن تعلق نمی‌گرفت (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۴۰/۲۰۰۵۱، ۱۳۲۰ ش). در مجموع راه آهن با ۳۵ هزار کارمند و کارگر ایرانی، ۳. ۶۱۹ ۷۲۸ تن کالا و مهمات را به شوروی انتقال داد. پس از پایان جنگ و



محاسبه و کسر هزینه‌های متفقین، ۱. ۰۷۸. ۰۹۴۸. ۰۰۰ ریال به راه آهن ایران خسارت وارد آمد (خان ملک یزدی، ۱۳۲۴: ۱۵۹). نرخ معمول کرایه راه آهن ایران برای هر تن کیلومتر، ۱۰ شاهی منظور گردید که ارزان‌ترین قیمتی بوده است که بیلان راه آهن‌های دنیا نشان داده بود. (همان: ۱۶۹)، با نرخ فوق قیمت کل کرایه لوازم متفقین به وسیله راه آهن ایران به ۲. ۱۰۰. ۰۰۰. ۰۰۰ ریال بالغ گردید. طلب و خسارت راه آهن ایران از متفقین بیش از ۱. ۰۷۸. ۰۹۴۸. ۰۰۰ ریال محاسبه گردید. طبق آمار متفقین، ۵. ۰۰۰. ۰۰۰ تن تجهیزات و مهمات از طریق راه آهن به شوروی حمل شد. بر اساس گزارش مستر پرات، رئیس سازمان بازرگانی انگلستان، تا ماه سپتامبر ۱۹۴۴، ۶۲۸. ۰۲۴ تن کالا بوسیله کامیون و از طریق راه‌های شوسه ایران از جمله راه بوشهر به شیراز و زاهدان به باجگیران حمل شده است. (همان: ۱۷۱-۱۷۰) دولت در سال ۱۳۲۰ آمار وسایل نقلیه از بین رفته ایران در وقایع شهریور این سال و لزوم استرداد ماشین آلات مصادره‌ای توسط قوای خارجی را اعلام نمود (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۱۵۳۷۵/۲۴۰، ۱۳۲۰ ش، ۱۷۳۴۱/۲۴۰، ۱۳۲۰). ایران در سال‌های مختلف دعوای خود را بر علیه نیروهای متفقین و متحدین در ارتباط با خسارت‌های تحمیلی به کشور به ویژه در مورد استفاده و استهلاک خطوط راه آهن و توقیف اموال عمومی، مطرح کرد (همان، ش سند ۹۵۷۲/۲۴۰، ۱۳۲۳ ش، ۱۱۲۵۵/۲۴۰، ۱۳۲۳ ش، ۱۳۶۱۹/۲۴۰، ۱۳۲۴ ش، ۵۷۴۲۹/۲۴۰، ۱۳۵۲ ش). ایران تنها از شوروی بابت حمل محموله راه آهن و عوارض گمرکی بیش از ۱۵۰ میلیون تومان طلبکار بود (باختر امروز، ۱۳۳۲/۵/۲۰: ۱). در نهایت در رابطه با استفاده متفقین از راه آهن جنوب، براساس نرخ بهره ۶٪، آنان می‌بایست ۱۴۰ میلیون دلار به ایران بپردازند که تنها حاضر به پرداخت ۵/۲ میلیون شدند (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۸۸).

#### د) اداره گمرکات جنوب توسط متفقین

متفقین بعد از ورود به ایران، اداره‌ی گمرکات را همانند سایر بخش‌های اداری و سیاسی ایران به دست گرفتند. گمرک جنوب ایران از جمله بندر شاهپور و خرمشهر در اختیار انگلیسی‌ها و در ادامه آن آمریکا قرار گرفت (آرشیو اسناد ملی، ش سند ۱۶۰۰۶/۲۴۰، ۱۳۲۱ ش). بخش مهمی از تاسیسات گمرکات خورستان در نتیجه حملات اولیه انگلستان،

نابود و مأمورین آن متواری گشتند (نوالدین کیا، ۱۳۷۷: ۳۰). و چون استفاده از آن در پی سیاست‌های تجاوزکارانه و منافع نظامی و اقتصادی آن‌ها قرار داشت هر گونه دخل و تصرف در این اداره مهم و حیاتی را بر خود جایز می‌شمردند، و از هر گونه اقدام غیر قانونی در اداره گمرک برای پیش برد اهداف خود و تخلیه سریع کالاها در بنادر و مرزهای جنوب کشور و بارگیری کالاها برای رساندن به شوروی روی گردان نبودند. حمل کالا به ایران و ترخیص آن‌ها در بنادر جنوب کشور، عمدتاً اختصاص به ارسال تدارکات برای شوروی داشت. وقتی که محموله‌های غذایی به خرمشهر یا بندر شاهیپور می‌رسید، ترخیص کالا از گمرک برای مصارف داخلی ایران، از اولویت برخوردار نبود (آوری، ۱۳۷۷: ۲۱۵). کالاهایی که متفقین در بنادر جنوب تخلیه می‌کردند را بدون تحویل به گمرک و انجام مراحل اداری و بدون صرف هزینه قانونی آن به انبارهای خود منتقل می‌کردند (زرین کلک، ۱۳۸۲، سند شماره ۲۵: ۲۹). بر اساس گزارش‌های رسمی، انگلیسی‌ها از پرداخت حقوق گمرکی محموله‌هایی که به جنوب وارد می‌شد خودداری می‌کردند و درخواست حقوق انحصاری برای کالاهای که به منظور نیازمندی‌های شوروی وارد می‌شدند را داشتند (زیویار، ۱۳۸۹: سند شماره ۶۱: ۲۴۵). طبق متن سندی از وزارت دارایی که مشکلات موجود را بازگو می‌کند، می‌توان به پاره‌ای از معضلاتی که حضور متفقین برای گمرک ایران به وجود آورده بودند، آگاهی یافت:

«۱- در خرمشهر و بندر شاهیپور مقامات انگلیسی موقع ورود کشتی‌های حامل کالا به مأمورین گمرک اجازه نمی‌دهند از کالاهای رسیده طبق مقررات گمرکی صورت‌برداری نموده آن‌ها را تحویل گیرند.

۲- مقامات انگلیسی کالاهای بازرگانی را مستقیماً و بدون اطلاع گمرک با راه‌آهن حمل می‌نمایند.

۳- مقامات نظامی انگلیسی کالاها و اشیایی جهت مصرف خودشان در عراق از ایران خریده و بدون انجام مقررات گمرکی و پرداخت حقوق و عوارض متعلقه از ایران خارج می‌نمایند» (همان: ۲۷۵-۲۷۴).

## ر ( استهلاك بنادر و مراکز صنعتی

متفقین چون تمام ساختار اداری و عوامل اجرایی را در اختیار داشته و از طرفی انتقال نیازمندی‌ها به شوروی، ضرورت داشت، ظرفیت باراندازی و بارگیری بنادر را در نظر نگرفته و فشار بیش از حدی بر آن وارد ساختند. به عنوان مثال استعداد تخلیه بندر شاهپور و خرمشهر حدود ۹۵ تن در ماه بود که در ایام جنگ به ۲/۶۵۰/۰۰۰ تن افزایش یافت (صدر نبوی، بی‌تا: ۱۸۷). با توسعه خطوط مواصلاتی، محموله‌های پستی متفقین به جای ۳۰ روز، در سه روز از تهران به بوشهر می‌رسیدند (پیردیگار و دیگران، ۱۳۷۸: ۹۴). افزون بر بارگیری و انتقال این مقدار عظیم کالا، خدمات‌دهی به انواع کشتی‌ها تجاری و نظامی انگلستان مستقر در آبهای خلیج فارس و اقیانوس هند نیز در بنادر ایران انجام می‌گرفت. امکانات و تأسیسات بندر ایران تا سر حد نابودی به خدمت ماشین جنگی متفقین درآمد و چون در پایان جنگ، دولت‌های آمریکا و انگلستان بسیاری از تجهیزات بندری را پیاده و از کشور خارج کردند، از این بنادر جزء تأسیسات فرسوده و اصولاً غیر قابل استفاده، چیزی باقی نماند (الهی، ۱۳۷۰: ۱۸۳).

## ۲- تأثیر بر ساختار عمومی اقتصادی

### الف) کاهش تولیدات کشاورزی

غلات و خرما، نقش مهمی در سبد غذایی مردم کرانه‌های جنوبی ایران داشت و در تمامی سالهای جنگ، کمبود شدید آن احساس گردید (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۹۳/۴۱۱۶۵، ۱۳۲۲-۱۳۲۰ ش، اطلاعات، ۱۳۲۱/۱/۲۰: ۱). ناحیه بوشهر، برازجان، شبانکاره و دشتستان در سال ۱۳۲۱-۱۳۲۲ به علت خشکسالی متحمل خسارات «رقت‌آور و جبران‌ناپذیری» گردید. علاوه بر اینکه بذر کشاورزان از بین رفت، به علت عدم وجود علوفه و مرتع، ۸۰٪ از چارپایان، اسب و گوسفند آنان نیز تلف شد و بدین ترتیب بخش دامداری در کل ناحیه جنوبی فارس متحمل صدمات فراوانی گردید (اسناد اتاق بازرگانی بوشهر، سند شماره ۵۶/۳: ۲۰۶-۲۰۷، آژیر، ۱۳۲۲/۵/۱۱: ۱). مقارن با جنگ دوم جهانی، ایل قشقایی که آزادی بیشتری یافته بودند، مالک ۲ میلیون حشم و دام بود که از مراتع محور شمالی جنوبی اصفهان- شیراز و بوشهر استفاده می‌کردند (هولتس، ۱۳۶۶: ۱۶۲، صفایی، ۱۳۷۳: ۷۹،

انورخامه ای، ۱۳۷۸: ۲۰۱، بهمن بیگی، ۱۳۸۱: ۱۵۵). واگذاری مراتع دولتی جهت تعلیف احشام ارتش نیز مشکلات را افزایش می‌داد (آرشیو اسناد ملی، ش سند ۲۹۳/۲۴۶۷، ۱۳۲۳ ش). حوادث شهریور ۱۳۲۰ در این فرایند سوء تأثیر مستقیم داشت، بذر به اندازه‌ی معمول کاشته نشد، به علاوه عده‌ای از مردم هم در غالب نقاط کشور به کارهای راه‌سازی برای متفقین مشغول و از عمل زراعت باز ماندند (زرین کلک، ۱۳۸۲، سند شماره: ۱۳۰، آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۴۰/۲۰۸۹۲، ۱۳۱۶ ش، ۳۴۰/۳۳۱۶۹، ۱۳۱۷-۱۳۱۶ ش، ۹۵/۲۳۷/۵۱، ۱۳۲۱ ش، ۹۵/۹۹۸/۱۷۴، ۱۳۲۱ ش، ۲۹۳/۲۲۰، ۱۳۲۲ ش). خوزستان در سایه توجه متفقین به صنعت نفت و راه‌آهن، در بعد کشاورزی خسارات سنگینی را متحمل شد. بخش عمده ایی از خاک حاصلخیز آن در نتیجه تعطیلی مزارع و مهاجرت نیروی انسانی، به لم یزرع و بایر تبدیل گشت. بر این اساس یکی از مناطق اصلی تأمین مواد غذایی جنوب ایران، نابود گشت (مشیر، ۱۳۶۴: ۱۲۳). وجود تسلیحات عمل نکرده متفقین در اراضی خوزستان و تلفات روستاییان حاصل از آن نیز موجب دشواری بیشتری در امر زراعت می‌گردید (آرشیو اسناد ملی ایران، ۲۹۳/۳۵۲۰، ۱۳۲۴ ش). بر اساس گزارش وزارت خوار و بار ایران، خوزستان بیش از همه در مضیقه مواد غذایی قرار داشت (فرخ، بی‌تا: ۵۳۳). امیر عباس هویدا مقارن با اشغال متفقین، اهواز مرکز خوزستان را این گونه توصیف نموده است: «اهواز در حقیقت شهر نبود، خرابه‌هایی داغ زده در کنار رودخانه‌های خشک، یک نوع فقر و مسکنت و بینوایی انسانی در همه جای آن به نظر می‌رسید.» (هویدا، ۱۳۹۴: ۱۹۴-۱۹۴). با وجود کمبود مواد غذایی، صدور، گندم، گوشت، سیب زمینی، پیاز، لوبیا و خوار و بار از گمرکات ایران جهت مصرف قشون انگلیس در عراق، فلسطین، سوریه و غیره ادامه یافت (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۴۰/۲۳۵۰۳، ۱۳۲۰ ش، یزدی، ۱۳۸۹: ۵۲). محصول تولیدی غلات از منطقه سیستان به عنوان یکی از مناطق عمده تأمین غلات کرانه‌های دریای عمان که سالیانه ۲۶۰ هزار خروار بود، به ۶۰ هزار خروار تقلیل یافت. علت اصلی، اشتغال کشاورزان در راه‌های شوسه انگلیس با حقوق روزانه ۳ تومان و ۲ قران و در نتیجه رهاسازی و متروک ماندن کشتزارها بود (فرخ، بی‌تا: ۵۰۲-۵۰۱).

**ب) کمبود خوار و بار عمومی**

مقارن با اشغال ایران، کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان به مانند دیگر مناطق کشور با مشکلات گسترده و متعدد اقتصادی مواجه گردید (آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۱۰۷۹-۷۰۴ ط ۴، ۱۳۲۱ ش). با گذشت تنها یک ماه از اشغال ایران، ارزش پول ایران تنزل کرد (ماکسیم بل، ۱۳۶۵، مقدمه: هفت). از شهریور ۱۳۲۰ به بعد، مجلس ایران برای تأمین نیاز ریالی متفقین، سه بار اجازه انتشار اسکناس داد (اطلاعات، ۱۳۲۱/۱/۱۰: ۱، صفایی، ۱۳۷۱: ۱۲۶، خاطرات ملکه پهلوی، ۱۳۸۰: ۳۰۰). این مسئله موجب افزایش حجم فراوان اسکناس در گردش و کاهش شدید ارزش ریال گشت (آزیر، ۱۳۲۲/۳/۳: ۱، ذوقی، ۱۳۶۸: ۷۴) با هر چاپ اسکناس موجی از تورم مصنوعی و گرانی از ۱۵ تا ۲۰٪، اقتصاد ایران را در بر می گرفت. (اطلاعات، ۱۳۲۱/۱/۱۴: ۱، ۱۳۲۱/۱/۱۲: ۱). با اشغال ایران، خطر امکان قحطی‌های گسترده و لزوم تهیه خواروبار عمومی در میان دولت مردان وقت، پیش بینی شده بود (سازمان اسناد ملی، ش سند ۳۱۰/۲۶۴۱، ۱۳۲۰ ش). حضور هزاران نظامی خارجی در مناطق جنوبی ایران که تدارکات آنان عمدتاً بوسیله محصولات داخلی و منطقه‌ای صورت می‌پذیرفت، به همراه نابسامانی‌های اقتصادی به ویژه در تولیدات زراعی، مشکلات معیشتی و کمبود شدید خوار و بار عمومی را افزایش داد (همان منبع، سند شماره ۱۳۵-۲۴۰۰، ۱۳۲۰ ش)، (مهربان، ۱۳۶۱: ۳۵). بر اساس قراردادهای بین‌المللی وظیفه تأمین ارزاق عمومی ایران بر عهده متفقین بود. اداره «تأمین خواروبار شرق میانه» Middle East supply center.

چنین وظیفه‌ای را برای متفقین انجام می‌داد (همان، ش سند ۲۴۰/۱۹۹۷، ۱۳۲۴ ش)، (لنچافسکی، ۱۳۵۲: ۳۵۱). پس از اشغال ایران اشکار گردید که تأمین مواد غذایی مورد نیاز ارتش متفقین و نیز یک گروه یکصد هزار نفری از آوارگان جنگی لهستانی، که از زندان‌های روسیه آزاد شده و به ایران اعزام شده بودند، از طریق واردات مواد غذایی غیر ممکن است (اطلاعات، ۱۳۲۲/۱/۹: ۱، میرزا مقدم، بدون تاریخ: ۸۴). روس‌ها نیز مانع از صادرات غلات از مناطق تحت اشغال خود (آذربایجان و شمال ایران) به سرزمین‌های جنوبی ایران و ایجاد بازار سیاه می‌شدند (بولارد، ۱۳۶۳: ۹۱، امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۵۰۱-۵۰۰). شوروی در سال

۱۳۲۱ ایران را مجبور به تهیه ۲۰ هزارگندم و ارسال آن به این کشور کرد (فرخ، بی‌تا: ۵۴۷-۵۴۵). آنان در سال ۱۳۲۲، ۱۰۰ هزار تن و در سال ۱۳۲۳، ۱۰ هزار تن گندم را از بازارهای ایران جمع‌آوری و به شوروی انتقال دادند (ساعد مراغه، ۱۳۵۳: ۱۸-۱۴، مستوفی، ۱۳۸۰: ۲۰-۱۵). شریدان مستشار وزارت خواروبار ایران در گزارشی به وینانت عضو آمریکایی اداره خواربار شرق میانه در قاهره در سال ۱۳۲۱ ش در خصوص وضعیت خطیر کمبود غلات و خواربار در ایران اشغال شده هشدار داد (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۳۱۰/۲۷۹۹، ۱۳۲۱ ش). به‌منظور مبارزه با کمبود آذوقه، ارزاق سهمیه‌بندی گردید (همان، سند شماره ۱۲۵۶۲، ۲۴ ۱۳۲۰ ش). بر اساس جیره‌بندی، میزان نان برای کارگران ۸۰۰ گرم، مردم عادی ۴۰۰ و برای کودکان ۲۰۰ گرم تعیین شد (اطلاعات، ۱۳۲۱/۹/۱۱: ۱). در ۱۷ آذر ۱۳۲۱ قحطی حتی ساکنان پایتخت را به شورش و حکومت نظامی کشاند (جزنی، ۱۳۵۷: ۱۴). وضعیت نابسامان توزیع خواروبار دولتی و فروش غیر مجاز آن در بازار آزاد بویژه به نیروهای متفقین، بحران غذایی را تشدید می‌نمود (همان، ش سند ۲۴۰۰۰۱۶۱۲، ۱۳۲۲)، ۲۹۰/۱۰۵۸، ۲۹۳/۲۱۲، ۱۳۲۳)، ۱۳۲۰)، یزدی، ۱۳۸۹: ۵۲). محتکران، سفته بازان بازاری و دولتی عرضه خوار و بار را در ایران محدود ساخته (گلشایبان، ۱۳۷۷: ۳۸۵، اوانسیان، ۱۳۶۹: ۹۹) و با خرید کالاها، انبار آن و بازار سیاه، به کمبود و تشدید قیمت‌ها دامن می‌زدند (عظیمی، ۱۳۷۲: ۶۳)، (پهلوی، ۱۳۸۴: ۶۸). چنانکه در ماه نوامبر سال ۱۹۴۱، ۱۳۵۰۰ تن گندم وارد بندر خلیج فارس گشت و ۱۵ هزار تن دیگر نیز در راه بود. در اول خرداد ۱۳۲۲ نیز ۸۰۰ تن گندم به بوشهر وارد گشت (آزیر، ۱۳۲۲/۳/۸). با این وجود با عدم توزیع عادلانه و فروش در بازار آزاد و به ویژه احتکار، کمترین تأثیر را در بهبود اوضاع اقتصادی مردم گذاشت. (مشکور، ۱۳۴۶: ۳۶، اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۱۱، ۲۸۲، قاضی، ۱۳۷۱: ۱۹۵، ۲۲۲، آرشیو اسناد ملی ایران، ۹۱/۲۴۵/۵۶۷، ۱۳۲۱، ۲۹۳/۳۵۵۰، ۱۳۲۲، ۲۹۳/۴۲۸۵، ۱۳۲۳ ش، ۳۵۰/۹۲۴۳، ۱۳۲۱-۱۳۲۲ ش، اطلاعات، ۱۳۲۰/۱۰/۴: ۱۳۲۰/۶/۶: ۳؛ ۱۳۲۱/۶/۲۲: ۴؛ ۱۳۲۲/۶/۲۲: ۳، آذربایجان، ۱۳۲۱/۱/۱۳: ۱)، «یک دسته پولداران تو گویی راهزنند که به یک کاروان بی‌پاسبانی زده‌اند و یا گرگانند که که به یک گله بی‌شبانان افتاده‌اند.» (پرچم، نیمه اول فروردین ۱۳۲۲: ۱۷)، «بهای بعضی از مواد خوار و بار بقدری بی‌تناسب بالا رفته است که واقعاً اسباب حیرت و تعجب است» (اطلاعات، ۱۳۲۱/۱/۱۱: ۱) بتدریج قحطی سراسر

کرانه‌های جنوب ایران را فرا گرفت که موجب تلفات گسترده انسانی گردید (آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۵۰۴۶، ۱۳۲۱ ش، آپتون، ۱۳۶۱: ۱۵۴، توکلی نیشابوری، ۲۰۱۴: ۱۱۸، اوانسیان، ۱۳۶۹: ۱۰۰، یزدی، ۱۳۸۹: ۵۳، سنجابی، ۱۳۶۸: ۶۲). در سال‌های اول جنگ در استان‌های جنوبی کشور میزان محصولات کشاورزی افت شدیدی داشت به طوری که در استان فارس محصولات نسبت به سال قبل ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده بود (اطلاعات، ۱۳۲۱/۳/۱۷: ۱، ۱۳۲۱/۸/۲۰: ۱). بر اساس مجموعه اسناد گزارشات وقایع اجتماعی فارس ارسالی به اداره استانداری، کمبود ارزاق، سراسر این استان را در خلال اشغال، فرا گرفته بود (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۹۳/۷۲۴۷۱-۱۳۲۷/۱۳۰۴ ش). مردم گرسنه جنوبی به داخل شهرها مهاجرت کرده و به علت کمبود مواد غذایی و گرانی روزافزون از شدت گرسنگی اقدام به دزدی مواد غذایی می‌کردند (اطلاعات، ۱۳۲۱/۱/۳۰: ۱، آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۹۰/۷۵۸-۱۳۲۱ ش). «در بعضی از روستاهای جنوب زن و مرد و کودک از شدت گرسنگی مانند حشره به زمین می‌چسبند و ناله می‌زنند. بر اثر خشکسالی، علف صحرا هم در دسترس این بیچارگان نیست» (همان، ۱۳۲۱/۳/۸: ۱). قحطی وحشتناک در تمامی نواحی کرانه و پس کرانه ایی بوشهر از شمال تا جنوب گزارش شده است (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۹۰/۱۸۸۰، ۱۳۲۱ ش، ۲۹۰/۱۹۵۰، ۱۳۲۳، ۲۹۳/۳۵۴۵-۱۳۲۲-۱۳۲۴، ۲۹۰/۵۵۰۸، ۱۳۲۱ ش). بر این اساس روزانه «چند نفر از مردم بر اثر گرسنگی و بی‌نانی در این نقاط تلف» می‌شدند (اطلاعات، ۱۳۲۱/۷/۱۶: ۱). بر طبق گزارش اقتصادی دی ماه ۱۳۲۰ اتاق بازرگانی بوشهر، با افزایش بی سابقه قیمت خوار و بار، طبقات گوناگون و به ویژه اقشار کم درآمد و فقرا «در نهایت فلاکت» زندگی کرده و به سختی می‌توانستند «یک وعده غذا» در شبانه روز داشته باشند. «این گرانی خوار و بار و آذوقه پی در پی مشکل‌تر و روزگار تیره و سختی و بیچارگی مردم سیاه‌تر می‌گردد.» (اسناد اتاق بازرگانی بوشهر، سند شماره ۴۹/۲۸: ۱۶۶). به گفته شکرالله صفوی نماینده بوشهر در مجلس شورای ملی در سوم خرداد ۱۳۲۱، مردم این منطقه «از روی اجبار شروع به خوردن ملخ و و علف» کرده بودند (اطلاعات، ۱۳۲۱/۳/۳: ۱). کمبود غله در کهکیلویه و بویر احمد، موجب قحطی گسترده گردید (همان منبع، ش سند ۱۷۶۴/ ۲۹۰، ۱۳۲۱ ش). کمیابی نان و خوار بار در بندر عباس تا کرمان و بافت (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۹۰/۱۷۶۶،

۱۳۲۰ ش، ۳۱۰/۲۸۰۰، ۱۳۲۱)، خرمشهر (همان، ش سند ۱۸۲۰/۲۹۰، ۱۳۲۰ ش)، بهبهان، (همان، ش سند ۲۹۰/۱۱۴۰، ۱۳۲۱ ش) سراسرخوزستان، اهواز و شوشتر، (همان منبع، ش سند ۲۹۰/۱۷۹۲، ۱۳۲۶ ش) و به صورت کلی تمام خط ساحلی ایران در جنوب و جنوب‌شرقی نیز در اسناد رسمی دولتی ثبت شده است (همان، ش سند ۲۹۱/۳۴۳۷، ۱۳۲۱ ش). براساس گزارشات ارسالی شهرستان‌ها به استانداری فارس در سال ۱۳۲۴ ش که مناطق ساحلی و پس کرانه‌های بوشهر، برازجان، شیراز، بهبهان، لنگه، ریگ، دیلم، گناوه و گچساران را شامل شده است، کمبود ارزاق عمومی در نتیجه خشکسالی، هجوم ملخ، بیماری‌های انسانی و دامی و درگیری‌های محلی، تمام سرحدات جنوبی را تحت تأثیر شدید اثرات سوء خود قرار داده است (همان، ش سند ۳۵۰/۲۴۷۶، ۱۳۲۴ ش). در زمستان سال ۱۳۲۱ محصول گندم، نخیلات، مراتع و دامداری بخش‌های مختلف بندر عباس در نتیجه هجوم آفت ملخ دریایمتمحل خسارات سنگینی شد (همان، ش سند ۱۵۰۴۶-۶۰۶، ۱۳۲۱، آژیر، ۱۳۲۲/۳/۲۲ : ۱، باختر امروز، ۱۳۳۲/۵/۲۱: ۶). در نتیجه گرسنگی مطلق، مواردی از آدمخوری از لاشه انسانی در این مناطق گزارش شده است (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۳۱۰/۲۷۶۶، ۱۳۲۱ ش). خطر قحطی شدید حتی تا سال ۱۳۲۸ ش نیز فرمانداری بندر عباس را تهدید می‌کرد (همان، ش سند ۲۱۹۲/۱۰۶۱۲، ۱۳۲۸ ش). در نتیجه قلت حقوق و گرانی خواروبار ماموران را از خدمات در جزایر و بنادر منصرف می‌نمود (همان، ش سند ۱۰۴۰۱۷/۲۰۶۲، ۱۳۲۷ ش). کمبود مواد غذایی در چابهار و سراسر دریای عمان تا سال ۱۳۲۵ ش نیز به صورت اشکار حیات اجتماعی این مناطق را تحت تأثیر سوء خود داشته است (همان، ش سند ۲۴۰/۴۵۶۹۱، ۱۳۲۵ ش، ۲۴۰/۳۶۸۰، ۱۳۲۵ ش). بر این اساس بود که روزنامه آذربایجان در فروردین ۱۳۲۱ نوشت: «مردم بیچاره که برای سدجوع به نان خشک و خالی قناعت نموده‌اند، به ورطه هلاکت سوق داده شدند» (آذربایجان، ۱۳۲۱/۱/۱۰: ۱) روزنامه فریاد نیز در تیرماه ۱۳۲۲ نوشت: «چشم خود را به نان خالی دوخته بودیم که آنرا هم ندادند.» (فریاد، ش ۲۱، ۱۳۲۲/۴/۲۲: ۱).

### ج) افول تجارت دریایی

بازرگانی دریایی ایران تحت تأثیر تبعات جنگ جهانی دوم، فرآیندی متناقض را طی



نمود (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۹۱/۲۴۵/۲۶۷، ۱۳۲۰). تا پیش از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، واردات بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان در اثر بحران‌های بین‌المللی و کمبود مال التجاره، کاهش یافت، در حالیکه صادرات در نتیجه افزایش تقاضای بین‌المللی روند صعودی طی نمود (همان، ش سند ۹۱/۲۴۵/۴۳۷، ۱۳۱۸، ش، ۲۳۰/۲۹۲۸۱، ۱۳۱۸، ش، وزارت دارایی، ۱۳۲۲ : ۵۶-۵۱). حتی وزارت امور خارجه نیز طی بخشنامه‌ای به نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور، خواستار بازاریابی برای صدور کالاهای ایرانی در شرایط جنگی شد (همان، ش سند ۲۴۰/۳۰۱۷۳، بدون تاریخ). با طولانی شدن جنگ، صادرات نیز دچار رکود شد (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۱۱۰۷۹-۲۴۰۰۱۱۰۷۹-۲۴۰۰۱۱۰۷۹، ۱۳۲۲، ۵، ۱۰۶۰۳-۸۰۷ض، ۱۳۲۲، ۱۱۰۷۹-۲۴۰۰۱۱۰۷۹-۲۴۰۰۱۱۰۷۹، ۱۳۲۳-۱۳۲۱). در سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۱ مقارن با جنگ جهانی دوم صادرات و واردات به بوشهر به ۵۰٪ کاهش یافت (اسناد اتاق بازرگانی بوشهر، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۹۵). تأثیرات جنگ جهانی دوم در اوضاع اقتصادی ایران، افزایش نرخ کالاها و وضعیت ناپایدار واردات و صادرات از جمله برنج، خشکبار، قماش و دام در مناطق جنوب و جنوب شرقی از جمله خرمشهر، بوشهر، اهواز و زاهدان مابین سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۳ در یک گزارش اسنادی ۲۳۵ صفحه‌ای بررسی شده است (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۴۰/۱۵۸۹، ۱۳۲۳-۱۳۱۸، ش). متفقین به هنگام ورود به ایران با مداخلات خود در امر صادرات و واردات ایران، باعث رکود تجارت شدند. خرید از سایر کشورها منوط به تهیه اجازه دریایی از انگلیس برای رسیدن کالا بود (گلشایبان، ۱۳۹۳: ۱۶). بخشی از محصولات وارداتی ایران به مقصد بنادر خلیج فارس و دریای عمان که از سوی کشورهای دول محور ساخته شده بود، در ابهای بین‌المللی دوردست از جمله مصر توقیف گردید و سالها بعد دولت ایران در جهت ترخیص این کالاها اقدام نمود (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۳۸۰/۳۵۱، ۱۳۳۴، ش، ۲۴۰/۱۱۹۲۶، ۱۳۲۲، ش). دولت انگلستان نقش مهمی در توقیف این گونه اموال در خلیج فارس داشت و تلاش دولت‌های وقت ایران نیز به‌منظور استرداد این کالاها به نتیجه‌ای منتهی نمی‌گشت (همان، ش سند، ۲۴۰/۵۹۰۷، بدون تاریخ، قطبی، ۱۳۸۱: ۳۸). در نتیجه شرایط بحرانی و عدم امنیت در مسیرهای دریایی، قیمت محصولات به ایران، از سوی شرکت‌های صادر کننده گران‌تر محاسبه می‌گردید (همان، ش سند ۲۳۰/۱۸۰۰۳، ۱۳۳۶، ش). کاهش ارزش پول ایران به میزان ۱۰۰٪، نیز درآمد ایران را از

فروش کالا و خدمات و یا صادرات متفقین به نصف تقلیل داد. افزایش عرضه اسکناس به میزان ۴ برابر هم تورم گسترده‌ای را در کشور ایجاد نمود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۸۷-۱۸۸، آوری، ۱۳۸۸: ۱۶۰). در شهریور ۱۳۲۰، قیمت برنج، روغن، خرازی آلات و دارو در بندر بوشهر به شدت افزایش یافت (اسناد اتاق بازرگانی بوشهر، سند شماره ۴۹/۱۰: ۱۴۱). بر اساس گزارش اقتصادی دی ماه ۱۳۲۰ اتاق بازرگانی بوشهر، با افزایش بی‌سابقه قیمت خواروبار، طبقات گوناگون و به ویژه اقشار کم درآمد و فقرا «در نهایت فلاکت» زندگی کرده و به سختی می‌توانستند یک وعده غذا در شبانه روز داشته باشند. «این گرانی خوار و بار و آذوقه پی در پی مشکل‌تر و روزگار تیره و سختی و بیچارگی مردم، سیاه‌تر می‌گردد» (همان، سند شماره ۴۹/۲۸: ۱۶۶). در سالهای جنگ کاهش شدیدی در تولید ناخالص ملی به نرخ‌های واقعی روی داد (آوری، ۱۳۸۸: ۱۶۴). نابسامانی‌های مالی موجب عدم تعادل در ابعاد گوناگون اقتصاد ایران گردید (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۴۰/۱۷۶۹۶، ۱۳۲۳ ش، ۲۹۳/۳۶۲۱، ۱۳۲۰ ش، ۲۴۰/۱۶۱۷۳، ۱۳۲۱ ش، ۳۲/۱۰۶۳، ۱۳۲۲ ش)، (آرشیو اسناد بنیاد تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۴۶۸۶۳، ۱۳۲۴ ش، ۲۲۰۴، ۱۳۲۵ ش، ۹۸۴۵، ۱۳۲۱ ش، شماره ۲۲۰۴، ۱۳۲۵ ش، ۹۸۴۵، ۱۳۲۱ ش). اثرات سوء جنگ تا سالیان سال ادامه یافت (انصاری، ۱۹۹۴: ۲۹). چنانکه بودجه کشور به‌صورت ماهیانه یا به اصطلاح یک دوازدهم، تصویب می‌گشت (توکلی نیشابوری، ۲۰۱۴: ۱۱۹). در گزارشی از وضعیت بندر عباس ۴ سال پس از جنگ آمده است: «وقفه در کار حاصل آمده، رو به خرابی گذارده و از جمعیت آن به طور فاحش کاسته می‌شود.» (آرشیو اسناد ملی ایران، ش سند ۲۱۹۲/۱۰۶۱۲، ۱۳۲۸ ش).

#### د) رکود اقتصادی و مهاجرت اجباری

طولانی شدن مدت جنگ، حضور نظامیان بیگانه، عدم امنیت اقتصادی، افزایش بیکاری و کمبود بهداشت، موجب مهاجرت‌های گروه‌های انسانی مناطق شمالی به مناطق به بخش‌های جنوبی خلیج فارس و امارات آن گردید. چنانکه در نتیجه رکود کار معادن خاک سرخ جزیره هرمز، بسیاری از اهالی هرمز، میناب و بشاگرد در سال ۱۳۲۱ ش / ۱۹۴۲ م، به منطقه الغنم عمان و مسقط مهاجرت نمودند. اسناد حاکی از ۳۰۰ مورد تلفات در میان آنان در نتیجه گرسنگی، شرایط سخت کار و مشکلات عبور از دریا بوده است (سازمان اسناد

ملی، ش سند ۲۰۶۱-۱۰۴۰۱۷، ۱۳۳۲ ش). بسیاری از مردم دشتی، دشتستان، دیلم و گناوه در فرمانداری بوشهر به دنبال فرصت‌های شغلی در جنوب خلیج فارس ساکن شدند (همان، ش سند ۲۹۳۰۰۱۵۰، ۱۳۲۰ ش، ۲۹۳۰۰۱۱۳۹، ۱۳۲۸ ش). در گزارشی از مهاجرت بازرگانان بوشهر در سال ۱۳۲۳ ش آمده است: «چنانچه به بحرین، دوبی و کویت و بنادر عمانات مسافرت شود، مشاهده می‌گردد که بیشتر نفوس آنجا را اهالی بوشهر و بنادر جزء تشکیل داده است. اگر اوضاع به همین نحو ادامه یابد، بدیهی است در آتیه نزدیکی این بندر مهم مانند بنادر لنگه، قشم و میناب ویران و اهالی در نتیجه لاقیدی و بی‌احتیاطی امر به خارجه و داخله رهسپار و بالاخره از بین خواهد رفت.» (اسناد اتاق بازرگانی بوشهر، سند شماره ۷۹/۱: ۳۳۶) اغلب سکنه‌ی بنادر دریای عمان از جمله کوهستک، کالک، تنگ، سربک، توجک، بی‌ریز، سروگان و بارکی، چابهار و جاسک نیز «در سال‌های قحطی و مجاعه مهاجرت به طرف بنادر عمان نموده یا از بین رفتند.» (نوری زاده بوشهری، بی‌تا: ۱۱۰، ۸۹، ۹۱)، رکود این مناطق موجب شد تا در سال ۱۳۲۷ ش، کمیسیونی جهت بررسی علل مهاجرت نیروی کار شهرهای کرانه‌ای خلیج فارس و دریای عمان به کشورهای جنوب تنگه هرمز به ویژه کویت و بحرین و عدم پیشرفت اقتصادی شهرهای بندری از جمله بوشهر، خرمشهر و بندرعباس، تشکیل گردد (آرشیو اسناد ملی ایران، ۳۵۵/۲۸۴، ۱۳۲۷-۱۳۲۸).

### نتیجه‌گیری

با سقوط رضا شاه و جلوس پهلوی دوم در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ / ۱۹۴۱، ایران دوره‌ای آشفته حاصل از مرحله گذر سیاسی و عدم تمرکز نظامی و اقتصادی را طی نمود. با هدف ارسال کمک به اتحاد شوروی، تمامی امکانات ایران در کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان در اختیار نیروهای متفقین قرار گرفت. این امر به منزله حضور گسترده عناصر خارجی در بنادر خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سواحل دریای عمان و تسلط همه جانبه آنان بر بخش عمده فعل و انفعالات این حوزه بود. حضور گسترده عناصر نظامی متفقین و ارقام بالای نیازمندی‌های آنان موجب گردید تا جزایر و بنادر جنوب ایران بویژه در خوزستان که به علت استقرار خطوط راه‌آهن، عمده فعالیت ترابری جنگی در آن صورت می‌پذیرفت، دوره

پروونقی را در زمینه ساخت تأسیسات مورد نیاز متفقین و واردات طی نمایند، امری که در بهبود سطح زندگی مردم، هیچگونه تأثیری نداشت. نابودی زیرساخت‌های اقتصادی، استهلاک تأسیسات گمرکی و خطوط مواصلاتی، فروپاشی بخش زراعی و تجاری، فساد و رشوه‌خواری مأموران گمرکات، محدودیت و ممنوعیت ورود برخی کالاها به کشور، عدم امنیت و معضل راهزنی، عدم اشتغال، قحطی، گرانی و کمبود مواد غذایی، احتکار، سقوط ارزش پول ملی و مهاجرت اجباری از مهمترین تبعات منفی حضور بیگانگان در نیمه شمالی خلیج فارس و دریای عمان در خلال سال‌های جنگ عالمگیر دوم بوده است. تأثیرات منفی حضور متفقین در حیات اقتصادی کرانه‌های جنوبی ایران، تا چندین سال پس از پایان جنگ نیز تبعات سوء خود را حفظ نمود.

## منابع

- آپتون، جوزف. ام (۱۳۶۱)، *نگرشی بر تاریخ ایران نوین*، یعقوب آژند، تهران، نیلوفر.
- آوری، پیتر (۱۳۷۷)، *تاریخ معاصر ایران*، محمدرفعی مهرآبادی، تهران، عطایی.
- آوری، پیتر (۱۳۹۰)، *تاریخ ایران دوره پهلوی*، مرتضی ثاقب فرد، تهران، جامی.
- ابتهاج، ابوالحسن (۱۳۸۹)، *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*، به کوشش علیرضا عیوضی، آمریکا. شرکت کتاب.
- ازغندی، علی رضا (۱۳۷۶)، *روابط خارجی*، دولت دست نشانده، تهران، نشر قومس.
- استوارت، ریچارد (۱۳۷۰)، *در آخرین روزهای رضا شاه*، عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ کاوه بیات، تهران، نشر نو.
- اسکرین، سرکلار مونت (۱۳۶۳)، *جنگ جهانی در ایران*، غلامحسین صالحیار، تهران، اطلاعات.
- افتخاری، یوسف (۱۳۷۰)، *خاطرات دوران سپهری شده*، به کوشش مجید تفرشی و کاوه بیات، تهران، فردوس.
- الهی، همایون (۱۳۶۵)، *اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- *اسناد اتاق بازرگانی بوشهر* (۱۳۹۳)، به کوشش مجتبی پریدار، ج ۱، اتاق بازرگانی بوشهر و نشر آباد بوم.
- *اسناد نقض بی‌طرفی ایران در شهریور ۱۳۳۰*، (۱۳۷۰)، به کوشش محمد ترکمان، تهران، کویر.
- افخمی، غلامرضا (بی‌تا)، *زندگی و زمانه شاه*، نسخه فارسی از کتاب انگلیسی، انتشار داده شده به وسیله مولف.
- امیر احمدی، احمد (۱۳۷۳)، *خاطرات نخستین سپهبد ایران*، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- انتظام، نصرالله (۱۳۷۱)، *خاطرات نصرالله انتظام*، به کوشش محمد رضا عباسی و بهروز طیرانی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
- انصاری، عبدالرضا (۱۹۹۴)، *خاطرات عبدالرضا انصاری*، مجموعه توسعه و عمران ایران، آمریکا، نشر آیبیکس.

- اوانسیان، اردشیر (۱۳۶۹)، *خاطرات اردشیر اوانسیان از حزب توده ایران*، آلمان، انتشارات حزب دمکراتیک مردم ایران.
- بولارد، ریدر؛ اسکرین، کلارمونت (۱۳۶۳)، *تسترها باید بروند*، حسین ابوترابیان، تهران، نو.
- بهمن بیگی، محمد (۱۳۸۱)، *اگر قره قاج نبود، گوشه‌هایی از خاطرات*، شیراز، نوید شیراز.
- بیگلری، حیدر قلی (۱۳۵۰)، *خاطرات یک سرباز*، تهران، چاپخانه ارتش شاهنشاهی.
- بیل، جیمز آ (۱۳۷۱)، *سیر و عقاب، روابط بدفرجام ایران و آمریکا*، فروزنده برلیان، چ اول، تهران، فاخته.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۸۴)، *پاسخ به تاریخ*، تهران، البرز.
- پیردیگار، ژان و دیگران (۱۳۷۸)، *ایران در قرن بیستم*، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، البرز.
- تبرائیان، صفاءالدین (۱۳۷۱)، *ایران در اشغال متفقین*، تهران، رسا.
- ترکمان، محمد (۱۳۷۰)، *اسناد نقض بی‌طرفی ایران در شهریور ۱۳۳۰*، تهران، کویر.
- توکلی نیشابوری (۲۰۱۴)، *آخرین سقوط آریاها*، مریلند آمریکا، نشر آبییکس.
- جامی (۱۳۷۷)، *گذشته چراغ راه آینده است*، تهران، ققنوس.
- جان پولاد، احمد (۱۳۸۵)، *سرگذشت یک افسر ایرانی*، تهران، پردیس و شیرازه.
- جزنی، بیژن (۱۳۵۷)، *تاریخ سی ساله ایران*، بی‌جا، بی‌نا.
- چرچیل، وینستون (۱۳۴۷)، *خاطرات جنگ جهانی دوم*، کتاب دوم از جلد سوم، تهران، نیلی.
- چمنکار، محمدجعفر (۱۳۹۶)، *نقش آفرینی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، تحلیل تاریخی از قرن نهم تا چهاردهم هجری شمسی*، تهران، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- خاطرات ملکه پهلوی، تاج الملوک پهلوی (۱۳۸۰)، *بنیاد تاریخ سفاهی*، نیویورک، انتشارات نیما، تهران، نشر به آفرید.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۸)، *سالهای پر آشوب*، تهران، فرزانه روز.
- خان ملک یزدی، محمد (۱۳۲۴)، *ارزش مساعی ایران در جنگ ۱۹۳۹-۱۹۴۵*، تهران، وزارت کشاورزی.
- خان ملک یزدی، محمد (۱۳۶۲)، *غوغای تخلیه ایران*، تهران، سلسله.
- دلد، اسکندر (۱۳۷۱)، *زندگی پرماجرای رضا شاه*، تهران، به آفرین.

- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، *ایران و قدرت های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران، پازنگ.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، *ایران و قدرت های بزرگ در جنگ جهانی دوم*، تهران، پازنگ.
- زرین کلک، بهناز (۱۳۸۲)، *اسنادی از روابط ایران و انگلیس*، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- زنگنه، احمد (۱۳۵۵)، *خاطراتی از ماموریت های من در آذربایجان*، تهران، شرق.
- زیویار، فرهاد (۱۳۸۹)، *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم: تحمیل پیمان سه جانبه؛ اعلان جنگ به آلمان؛ تصرف اماکن و اموال*، ج ۱، تهران، خانه کتاب.
- زیویار، فرهاد (۱۳۸۹)، *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم: سانسور و مداخله در امور پولی و مالیاتی*، ج ۲، تهران، خانه کتاب.
- ساعد مراغه‌ایی، محمد (۱۳۵۳)، *بحران اقتصادی در سالهای اشغال ایران، سالنامه دنیا*، ش ۳۰.
- سنجابی، کریم (۱۳۶۸)، *امیدها و ناامیدی‌ها*، خاطرات سیاسی، لندن، نشر کتاب.
- شولتسه، هولتوس (۱۳۶۶)، *سپیده دم در ایران*، مهرداد اهری، تهران، نشر نو.
- صالحی مرام، محمد حسن (۱۳۸۹)، *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم: راه‌ها؛ راه‌آهن؛ قطع درختان، نان و غله؛ مهاجرین لهستانی در ایران*، ج ۳، تهران، خانه کتاب.
- صالحی مرام، محمد حسن (۱۳۸۹)، *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم: قتل؛ تعدی؛ تجاوز و نقض حاکمیت*، ج ۴، تهران، خانه کتاب.
- صالحی مرام، محمد حسن (۱۳۸۹)، *اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم: بازداشت و تبعید*، ج ۵، تهران، خانه کتاب.
- صدر نبوی، رامپور (۱۳۶۹)، *وضع نفت ایران در جنگ جهانی دوم*، مجله تحقیقات جغرافیایی، ش ۱۹.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۴۹)، *کارنامه ناموران*، ج ۳، انتشارات انجمن تاریخ.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۷۱)، *پنج‌جاه خاطره از پنج‌جاه سال*، تهران، جاویدان.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۷۳)، *زندگینامه سپهبد زاهدی*، تهران علمی.
- عظیمی فخرالدین (۱۳۷۲)، *بحران دمکراسی در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران، البرز.
- فاتح، مصطفی (۱۳۸۴)، *پنج‌جاه سال نفت ایران*، تهران، علم.

- فرخ، مهدی (بی‌تا)، خاطرات سیاسی فرخ معتمد السلطنه، تهران، جاویدان.
- قاضی، محمد (۱۳۷۱)، خاطرات یک مترجم، تهران، کارنامه و نشر چشم و چراغ.
- قطبی، بهروز (۱۳۸۱)، گزیده‌ی اسناد جنگ جهانی دوم در ایران، تهران، اطلاعات.
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز.
- گلشایان، عباسقلی (۱۳۷۷)، گذشته‌ها و اندیشه‌ها، تهران، انیشتین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، یادداشت‌های شهریور ۱۳۲۰، با مقدمه رامین کامران، بی‌جا، ایران لیبرال.
- لنچافسکی، ژرژ (۱۳۵۲) غرب و شوروی در ایران، حورا یاوری، تهران، انتشارات روزنامه سحر و ابن سینا.
- مستوفی، اسد (۱۳۸۰) مویه‌های غربیانه، خاطرات مستوفی، تهران، الهدی.
- مشکور، محمد جواد (۱۳۴۶)، ایران در دوره سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی، تهران، ابن سینا.
- ملک زاده هیرید، حسن (۱۳۲۸) سرگذشت حیرت انگیز یک افسر ارشد دولت، تهران، بی‌نا.
- موید امینی، داود (۱۳۲۱)، از سوم تا بیست و پنجم شهریور، تهران، بی‌نا.
- مهربان، رسول (۱۳۶۱)، گوشه‌ایی از تاریخ معاصر، آلمان، عطارد.
- میر احمدی، مریم (۱۳۶۶)، پژوهشی در تاریخ معاصر ایران، مشهد، آستان قدس رضوی.
- میرزا مقدم، ویکتور (بدون تاریخ)، خاطرات یک آشوری ملی و وطنی در ایران قرن بیستم، لوس انجلس، شرکت کتاب.
- نورالدین کیا، فضل الله (۱۳۷۷)، خاطرات خدمت در فلسطین، تهران، آبی.
- نوری زاده بوشهری، اسماعیل (بی‌تا)، نظری به ایران و خلیج فارس، بی‌جا، بی‌نا.
- وزارت دارایی (۱۳۲۲)، آمار بازرگانی کشور شاهنشاهی ایران با کشورهای خارجه در سال ۱۳۲۲، تهران، اداره کل گمرک.
- هویدا، امیرعباس (۱۳۹۴)، خاطرات امیرعباس هویدا، به اهتمام امیر قربانی، ناشران الکترونیک اسلام نوین و تاریخ ایرانی.
- یزدی، ابراهیم (۱۳۸۹)، شصت سال صبوری و شکوری، خاطرات، نشر الکترونیک توسط مولف.



**نشریات\***

- آذربایجان، شماره‌های ۱۳۲۰/۸/۱۴، ۱۳۲۰/۸/۱۸، ۱۳۲۰/۱۰/۱۰، ۱۳۲۱/۱/۱۳، ۱۳۲۱/۱/۱۳
- آزر، ۱۳۲۲/۳/۳، ۱۳۲۲/۳/۳، ۱۳۲۲/۳/۳، ۱۳۲۲/۳/۸، ۱۳۲۲/۵/۱۱، ۱۳۲۲/۳/۲۲، ۱۳۲۲/۳/۲۲
- ادیب، ۱۳۳۰/۱۰/۲۸
- اطلاعات، ۱۳۸۵/۸/۲۱، ۱۳۲۰/۶/۱۴، ۱۳۲۰/۶/۱۸، ۱۳۲۰/۱۰/۲۷، ۱۳۲۰/۱۰/۲۷، ۱۳۲۱/۳/۲۳، ۱۳۲۱/۱۲/۵، ۱۳۲۱/۱۰/۳، ۱۳۲۲/۱۰/۳، ۱۳۲۱/۱۰/۱۳، ۱۳۲۱/۱/۱۱، ۱۳۲۱/۱/۱۱، ۱۳۲۱/۳/۱۷، ۱۳۲۱/۸/۲۰، ۱۳۲۱/۱/۳۰، ۱۳۲۱/۳/۸، ۱۳۲۱/۷/۱۶، ۱۳۲۱/۱/۲۰، ۱۳۲۱/۱/۴، ۱۳۲۰/۱۰/۴، ۱۳۲۱/۶/۶، ۱۳۲۱/۶/۲۲، ۱۳۲۲/۶/۲۲، ۱۳۲۰/۱۰/۱۳، ۱۳۲۰/۱۰/۱۴، ۱۳۲۱/۱/۱۴، ۱۳۲۱/۴/۲۲، ۱۳۲۱/۱/۱۴، ۱۳۲۲/۱/۹، ۱۳۲۱/۱/۷

\*-ترتیب نشریات و اسناد بر اساس قرار گرفتن در نوشتار می‌باشد.

۱۳۲۱/۱/۱۱، ۱۳۲۱/۱/۱۴، ۱۳۲۱/۱/۱۲، ۱۳۲۱/۳/۳

- باختر/امروز، ۱۳۲۱/۵/۲۰، ۱۳۳۲/۵/۲۱

- پرچم، نیمه اول فروردین ۱۳۲۲

- فریاد، ۲۱، ۱۳۲۲/۴/

**اسناد**

- آرشیو اسناد ملی ایران، شماره سند ۳۵۰/۷۸۳۴، ۱۳۱۶-۱۳۲۰ ش، ۳۵۰/۶۳۵۵، ۱۳۱۹ ش، ۳۵۰/۷۹۹۹، ۱۳۱۷-۱۳۲۰ ش، ۳۵۰/۷۷۵۱، ۱۳۱۸ ش، ۹۱/۲۸۰/۹۶۷، ۱۳۲۲ ش، ۹۸/۲۹۳/۱۱۰۶۲، ۱۳۱۶-۱۳۱۷ ش، ۲۴۰/۴۹۲، ۱۳۲۰ ش، ۳۴۰/۶۲۸۱، ۱۳۲۹ ش، شماره سند ۲۴۰/۲۲۴۵۹، ۱۳۲۱ ش، ۲۴۰/۱۴۳۲۰، ۱۳۲۳ ش، شماره سند ۲۴۰/۴۳۱۰۰، ۱۳۲۴ ش، ۲۴۰/۹۲۵۸، ۱۳۲۱ ش، ۲۴۰/۲۶۱۲۶، ۱۳۲۱ ش، ۳۱۰/۸۰۷۸، ۲۳۰/۱۳۲۱ ش، ۲۹۳/۳۵۵۴، ۱۳۲۲ ش، ۲۹۰/۱۰۶۷، ۱۳۲۳ ش، ۲۹۳/۴۱۹۷، ۱۳۲۱-۱۳۲۲ ش، ۲۴۰/۱۱۷۴۹، ۱۳۲۳ ش، ۱۳۲۵ ش، ۱۳۶۱۹ / ۴۶۰/ بی تا، ۲۴۰/۲۰۰۵۱، ۱۳۲ ش، ۲۴۰/۱۵۳۷۵، ۱۳۲۰ ش، ۲۴۰/۱۷۳۴۱، ۱۳۲۰ ش، ۲۴۰/۹۵۷۲، ۱۳۲۳ ش، ۲۴۰/۱۱۲۵۵، ۱۳۲۳ ش، ۲۴۰/۱۳۶۱۹، ۱۳۲۴ ش، ۲۴۰/۵۷۴۲۹، ۱۳۵۲ ش، ۱۱۰۷۹-۷۰۴ ط ۴، ۱۳۲۱ ش، ۳۱۰/۲۶۴۱، ۱۳۲۰ ش، ۲۴۰-۱۳۵، ۱۳۲۰ ش، ۲۴۰/۱۹۹۷، ۱۳۲۴ ش، ۳۱۰/۲۷۹۹، ۱۳۲۱ ش، ۱۲۵۶۲، ۲۴، ۱۳۲۰ ش

۱۶۱۲/۲۴۰۰، ۱۳۲۲ش، ۲۹۰/۱۰۵۸، ۱۳۲۳ش، ۲۹۳/۲۱۲، ۱۳۳۰ش، ۱۵۰۴۶، ۱۳۲۱ش،  
 ۲۹۳/۷۲۴۷۱ - ۱۳۰۴/۱۳۲۷ش، ۲۹۰/۷۵۸ - ۱۳۲۱ش، ۲۹۰/۱۸۸۰، ۱۳۲۱ش، ۲۹۰/۱۹۵۰،  
 ۱۳۲۳ش، ۲۹۳/۳۵۴۵، ۱۳۲۲ - ۱۳۲۳ش، ۲۹۰/۵۵۰۸، ۱۳۲۱ش، ۱۷۶۴/۲۹۰، ۱۳۲۱ش،  
 ۱۳۲۰/۱۷۶۶، ۲۹۰/۱۱۴۰، ۱۳۲۰ش، ۳۱۰/۲۸۰۰، ۱۳۲۱ش، ۱۸۲۰/۲۹۰، ۱۳۲۰ش، ۲۹۰/۱۱۴۰، ۱۳۲۱ش،  
 ۲۹۰/۱۷۹۲، ۱۳۲۶ش، ۲۹۱/۳۴۳۷، ۱۳۲۱ش، ۳۵۰/۲۴۷۶، ۱۳۲۴ش، سند ۱۵۰۴۶ -  
 ۶۰۶ک۴۵، ۱۳۲۱ش، ۳۱۰/۲۷۶۶، ۱۳۲۱ش، ۳۱۰/۲۷۶۶، ۱۳۲۱ش، ۲۱۹۲/۱۰۶۱۲،  
 ۱۳۲۸ش، ۱۰۴۰/۱۷/۲۰۶۲، ۱۳۲۷ش، ۲۴۰/۴۵۶۹۱، ۱۳۲۵ش، ۲۴۰/۳۶۸۰، ۱۳۲۵ش،  
 ۲۹۳/۴۱۱۶۵، ۱۳۲۲ - ۱۳۲۰ش، ۲۹۳/۲۴۶۷، ۱۳۲۳ش، ۲۹۳/۳۵۲۰، ۱۳۲۴ش،  
 ۲۴۰/۲۳۵۰۳، ۱۳۲۰ش، ۲۴۰/۲۰۸۹۲، ۱۳۱۶ش، ۳۴۰/۳۳۱۶۹، ۱۳۱۷ - ۱۳۱۶ش،  
 ۹۵/۲۳۷/۵۱، ۱۳۲۱ش، ۹۵/۹۹۸/۱۷۴، ۱۳۲۱ش، ۲۹۳/۲۲۰، ۱۳۲۲ش، ۳۲/۱۰۶۳۳،  
 ۱۳۲۲ش، ۲۲۰۴، ۱۳۲۵ش، ۹۸۴۵، ۱۳۲۱ش، ۹۱/۲۴۵/۲۶۷، ۱۳۲۰ش، ۹۱/۲۴۵/۴۳۷،  
 ۱۳۱۸ش، ۲۴۰۰/۱۶۰۰۶، ۱۳۲۱ش، ۲۳۰/۲۹۲۸۱، ۱۳۱۸ش، ۲۴۰/۳۰۱۷۳، بی‌تا،  
 ۱۰۶۰۳ - ۱۰۷ض۵، ۱۳۲۲ش، ۱۱۰۷۹ - ۲۴۰۰۰۴ - ۷۰۴ط۷، ۱۳۲۳ - ۱۳۲۱ش،  
 ۱۱۰۷۹ - ۴ط۷۰۴، ۱۳۲۱ش، ۲۴۰/۱۵۸۹، ۱۳۲۳ - ۱۳۱۸ش، ۳۸۰/۳۵۱، ۱۳۳۴ش،  
 ۲۴۰/۱۱۹۲۶، ۱۳۲۲ش، ۲۴۰/۵۹۰۷، بدون تاریخ، ۲۳۰/۱۸۰۰۳، ۱۳۳۶ش،  
 ۲۴۰/۱۷۶۹۶، ۱۳۲۳ش، ۲۱۹۲/۱۰۶۱۲، ۱۳۲۸ش، ۱۰۴۰/۱۷ - ۲۰۶۱، ۱۳۳۲ش،  
 ۲۹۳۰۰۰۱۵۰، ۱۳۲۰ش، ۲۹۳۰۰۱۱۳۹، ۱۳۲۸ش، ۳۵۵/۲۸۴، ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ش،

- آرشیو اسناد بنیاد تاریخ معاصر ایران، شماره سند ۴۶۸۶۳، ۱۳۲۴

- \_\_\_\_\_، شماره سند ۴۶۸۶۳، ۱۳۲۴ش.

- \_\_\_\_\_، شمار سند ۲۲۰۴، ۱۳۲۵ش.

- \_\_\_\_\_، شماره سند، ۹۸۴۵، ۱۳۲۱ش.

- \_\_\_\_\_، شماره سند ۲۲۰۴، ۱۳۲۵ش.

- \_\_\_\_\_، سند شماره ۹۸۴۵، ۱۳۲۱ش.

- آرشیو روزنامه خبر جنوب، شماره سند ۱۸۲۱، ۱۳۲۳ش.

**لاتین**

- us army corps of engineers, office of history (2007), did you know? engineer construction in the Persian gulf. [www.hq.usac.e.army.Mil](http://www.hq.usac.e.army.Mil).